

به نام یزدان پاک

همه سوال های کارشناسی ارشد

جغرافیای سیاسی

(جلد ۲)

۱۳۹۳-۱۴۰۴

تهیه کنندگان
گروه مولفین

فهرست مطالب

.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۰
۹	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۱	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۱
۲۲	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۲۴	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۲
۳۴	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۳۶	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۳
۵۰	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۵۲	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۴
۶۱	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۶۳	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۵
۷۱	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۷۳	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۶
۸۱	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۸۳	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۷
۹۲	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۹۴	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۸
۱۰۱	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۰۳	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۳۹۹
۱۰۹	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۱۱	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۴۰۰
۱۱۷	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۱۸	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۴۰۱
۱۲۴	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۲۶	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۴۰۲
۱۳۲	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۳۴	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۴۰۳
۱۴۰	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۴۲	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
.....	آزمون کارشناسی ارشد علوم جغرافیایی ۱۴۰۴
۱۴۸	جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۵۰	پاسخ‌نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)
۱۵۷	منابع

مقدمه تحلیلی بر روند آزمون‌های کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی (۱۳۹۰-۱۴۰۴)

رمزگشایی از ذهنیت طراحان و نقشه راه موفقیت

مجموعه حاضر، گنجینه‌ای از ۱۵ دوره آزمون کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی است که نه تنها به عنوان یک منبع تستی، بلکه به عنوان یک سند تحلیلی برای درک تحولات این رشته علمی قابل استناد است. بررسی دقیق ۳۲۷ سوال کلیدی این سال‌ها، پرده از تغییرات معناداری در ذائقه طراحان سوال و پارادایم‌های حاکم بر کنکور برمی‌دارد. داوطلب هوشمند برای کسب رتبه برتر، نیازمند درک این سه رکن اساسی است: ثوابت، متغیرها و استراتژی نهایی.

۱. تحلیل ثوابت: ستون‌های فقرات آزمون

برخی مباحث در طول این ۱۵ سال، بدون توجه به تغییرات سیاسی یا علمی، همواره سهم ثابتی از سوالات را به خود اختصاص داده‌اند. این‌ها «نان شب» داوطلب محسوب می‌شوند:

- «فضا» و «قدرت»: کلیدواژه‌های قدرت و فضا با بیشترین بسامد تکرار در متن سوالات و پاسخ‌ها، نشان می‌دهند که جغرافیای سیاسی در کنکور همچنان وفادار به تعریف کلاسیک «مدیریت اعمال قدرت بر فضا» است.
- جغرافیای سیاسی ایران (کالبد و ساختار): سوالات مربوط به «ساختار فلات ایران» (تکوین کوه‌ها، دشت‌ها و تأثیر آن‌ها بر تمرکز قدرت) پای ثابت تمام آزمون‌ها بوده است.
- پدران کلاسیک: نام «فردریش راتزل» و «مکیندر» همچنان پرتکرارترین اسامی خاص در آزمون‌ها هستند. تسلط بر نظریات ارگانیک و هارتلند، شرط لازم برای پاسخگویی است.

۲. تحلیل روند تغییرات: چرخش به سمت معنا و هویت

از سال ۱۳۹۸ به بعد، شاهد یک شیب ملایم اما محسوس از «جغرافیای سیاسی سخت» (مرز، جنگ، نفت) به سمت «جغرافیای سیاسی نرم» هستیم:

- ظهور گفتمان هویت: مفهوم «هویت» (Identity) با تکرار بالا در مفاهیم، نشان می‌دهد که طراحان به دنبال سنجش درک داوطلب از رابطه «مکان و هویت» و فرآیندهای ملت‌سازی هستند.
- از توصیف به تحلیل: در سال‌های اخیر، سوالات از حالت «نام پایتخت‌ها و مکان‌ها» (دانش سطحی) به سمت «چرایی جابجایی قدرت» و «تحلیل ساختار فضایی» (دانش عمیق) تغییر جهت داده‌اند.
- ژئوپلیتیک انتقادی: اگرچه نظریات کلاسیک هنوز حضور دارند، اما ردپای مفاهیمی چون «کدهای ژئوپلیتیک»، «بازنمایی» و «سایبرپلیتیک» در سوالات ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ پررنگ‌تر شده است.

۳. جمع‌بندی استراتژیک: مربع طلایی موفقیت

بر اساس داده‌کاوی ۱۵ سال اخیر، اگر بخواهیم تنها بر ۴ مبحث کلیدی تمرکز کنیم که تضمین‌کننده بیشترین درصد پاسخگویی باشند، به «مربع طلایی» زیر می‌رسیم:

۱. ساختار جغرافیای سیاسی ایران: (تمرکز بر: شکاف‌های قومی، مدل مرکز-پیرامون در ایران، و تقسیمات کشوری).
۲. نظریه‌های بنیادین و کلاسیک: (تسلط مطلق بر: راتزل، مکیندر، اسپایکمن، و هارتشورن).
۳. مفهوم دولت و ملت: (تفاوت State و Nation، حاکمیت، و فرآیندهای ملت‌سازی).
۴. ژئوپلیتیک دریاها (با تأکید بر خلیج فارس): (تنگه هرمز، جزایر سه‌گانه، و رژیم حقوقی دریاها).

سخن پایانی

این کتاب تنها مجموعه‌ای از سوالات نیست؛ بلکه نقشه‌ای است که مسیر تغییرات فکری طراحان کنکور را برای شما ترسیم می‌کند. پیشنهاد می‌شود مطالعه خود را با «مبانی نظری» آغاز کنید، با «تحلیل‌های ایران» عمیق شوید و با مرور «تست‌های سال‌های اخیر» به تسلط برسید.

پیروز و سربلند باشید.

گزارش جامع تحلیل و بودجه‌بندی آزمون‌های کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

محدوده زمانی: ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴

تعداد سوالات: ۳۲۷ سوال (تجمیعی)

مقدمه

تحلیل پیش‌رو بر اساس استخراج داده‌های آماری از ۱۵ دوره آزمون کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی تدوین شده است. هدف از این گزارش، شناسایی ثقل موضوعی سوالات و راهنمایی داوطلبان برای مدیریت بهینه زمان مطالعه بر اساس فراوانی سرفصل‌هاست.

۱. جدول توزیع فراوانی و بودجه‌بندی سرفصل‌ها

در جدول زیر، سرفصل‌های هفت‌گانه بر اساس بیشترین تکرار در طول ۱۵ سال اخیر طبقه‌بندی شده‌اند:

ردیف	سرفصل آموزشی / موضوعی	فراوانی (تعداد سوال)	وزن در آزمون (درصد)	اولویت مطالعه
۱	جغرافیای سیاسی ایران	۱۱۳	۳۴.۵٪	بسیار بالا
۲	ژئوپلیتیک و نظریه‌های راهبردی	۱۱۱	۳۴.۰٪	بسیار بالا
۳	مبانی و مفاهیم بنیادین	۳۸	۱۱.۶٪	متوسط
۴	مسائل تحلیلی و مباحث جاری	۳۵	۱۰.۷٪	متوسط
۵	تقسیمات کشوری و مدیریت فضا	۱۳	۴.۰٪	عمومی
۶	مرزها و حقوق دریاهای	۱۲	۳.۷٪	تخصصی
۷	ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی	۵	۱.۵٪	کمکی
-	مجموع	۳۲۷	۱۰۰٪	-

۲. تحلیل نمودار توزیع محتوایی

۳. یافته‌های کلیدی گزارش (ویژه طراحان و داوطلبان)

- تمرکز دوگانه: دو مبحث «ایران» و «ژئوپلیتیک» مجموعاً ۶۸.۵ درصد آزمون را تشکیل می‌دهند. این بدان معناست که تسلط بر این دو حوزه، ضامن اصلی موفقیت در کنکور ارشد است.
- ماهیت سوالات ایران: سوالات مربوط به جغرافیای سیاسی ایران از مباحث کالبدی (فلات و کوه‌ها) به سمت مباحث ساختاری و هویتی (دولت-ملت سازی و تمرکززدایی) حرکت کرده است.
- تحول در ژئوپلیتیک: در سال‌های اخیر، سهم نظریات کلاسیک (مانند مکیندر و ماهان) ثابت مانده اما سوالات مربوط به ژئوپلیتیک انتقادی و کدهای ژئوپلیتیک رشد چشم‌گیری داشته است.
- مباحث کم‌فشار: بخش‌های «حقوق دریاهای» و «مرزها» با وجود حجم زیاد منابع، درصد کمتری از سوالات را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده تمرکز طراحان بر مفاهیم کلان‌تر است.

نمودار دایره‌ای (Pie Chart): سهم هر مبحث در بودجه‌بندی کلی

این نمودار نشان می‌دهد که اگر ۱۰۰ سوال را به عنوان کلی آزمون در نظر بگیریم، هر سرفصل چه مساحتی را اشغال می‌کند.

شرح جزئیات نمودار:

- بخش غالب (۳۴.۵٪): جغرافیای سیاسی ایران؛ این بخش شامل سوالات مربوط به کالبد فالت ایران، نقش اقوام، و مدیریت سیاسی فضا است.
- بخش موازی (۳۴٪): ژئوپلیتیک؛ رقابت تنگاتنگی با مباحث ایران دارد و شامل نظریات راهبردی از کلاسیک تا انتقادی است.
- بخش زیربنایی (۱۱.۶٪): مبانی و مفاهیم؛ تعاریف اولیه و فلسفه وجودی رشته را پوشش می‌دهد.
- بخش متغیر (۱۰.۷٪): مسائل جاری؛ سوالاتی که به تحلیل‌های روز سیاسی و بحران‌های منطقه‌ای اختصاص دارد.
- بخش پیرامونی (۹.۲٪): سایر مباحث؛ مجموعاً شامل مرزها، دریاها و تقسیمات کشوری است که با وجود حجم زیاد منابع، تعداد سوالات کمتری دارند.

علوم جغرافیایی ۱۳۹۰

جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)



۱. مطالعه اثر عوامل جغرافیایی بر سیاست‌های جهانی قدرت‌ها، چه نام دارد؟
 (۱) ژئوپولیتیک (۲) جغرافیای سیاسی (۳) جغرافیای جهان (۴) جغرافیای قدرت‌ها
۲. عرض تنگه هرمز در باریک‌ترین بخش آن چند مایل دریایی است؟
 (۱) ۲۱ (۲) ۲۸ (۳) ۳۱ (۴) ۳
۳. اعراب پیش از صفویه دولت شیعه «مشعشه» را در کدام نقطه جغرافیایی ایران تاسیس کردند؟
 (۱) اهواز (۲) سوسنگرد (۳) شوش (۴) هویزه
۴. حکومت سرزمینی در کدام قرارداد به رسمیت شناخته شد؟
 (۱) کنگره وین (۲) معاهده وستفاليا (۳) معاهده صلح ورسای (۴) منشور سازمان ملل متحد
۵. دیدگاه جبر، حساب، هندسه و اقتصاد در برابر کدام نوع ژئوپولیتیک مورد استفاده قرار می‌گیرد؟
 (۱) انتقادی (۲) انسان‌گرا (۳) پست‌مدرن (۴) معناگرا
۶. علت اصلی اشغال نظامی ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم چه بوده است؟
 (۱) وجود نفت در ایران (۲) نقش ژئوپولیتیک ایران (۳) نقش ژئواستراتژیک ایران (۴) خصومت اشغال‌کنندگان با دولت ایران
۷. کدام کشور به عنوان سپر دفاعی روسیه در برابر گسترش ناتو عمل می‌کرد؟
 (۱) آذربایجان (۲) ارمنستان (۳) داغستان (۴) نخجوان
۸. کدام کشور، محیطی است؟
 (۱) آفریقای جنوبی (۲) ایران (۳) افغانستان (۴) شیلی
۹. نقشه ویلسون برای خلع سلاح جهانی، شامل کدام کشور بود؟
 (۱) آلمان (۲) فرانسه (۳) رومانی (۴) لهستان
۱۰. تمرکز و عدم تمرکز دارای کدام ویژگی تقسیماتی است؟
 (۱) ناحیه‌ای - مکانی (۲) ساختی - مکانی (۳) ساختی - فضایی (۴) سرزمینی - ناحیه‌ای
۱۱. به مکان‌های جغرافیایی که قدرت دولت در آنجا موثر نمی‌باشد، چه می‌گویند؟
 (۱) مناطق ملال‌آور (۲) مناطق ممنوعه (۳) حفره‌های دولت (۴) همه موارد
۱۲. پیتلر تیلور، ناسیونالیسم را چند گونه دانسته است؟
 (۱) نیروی رهایی‌بخش، ناسیونالیسم پایه، نیروی آزاددهنده، نیروی آزادی‌بخش و نژادپرستی
 (۲) ناسیونالیسم پایه، نیروی آزاددهنده، نیروی آرامش‌دهنده، نیروی حیات‌بخش و نژادپرستی
 (۳) نژادپرستی، نیروی پایه، نیروی آزادی‌دهنده، نیروی رهایی‌بخش و نیروی آرامش‌دهنده
 (۴) ناسیونالیسم پایه، نیروی یکپارچه‌کننده، نیروی جداکننده، نیروی آزادی‌دهنده و نیروی حیات‌بخش
۱۳. تفاوت اصلی تحت‌الحمایگی و مستعمره در چیست؟
 (۱) اداره امور خارجی (۲) اداره امور داخلی (۳) شرایط اقتصادی (۴) بهره‌برداری استعمارگر



۱۴. کدام عامل سبب پی‌ریزی حکومت صهیونیستی اسرائیل شد؟
(۱) تجزیه امپراطوری عثمانی
(۲) استقلال سوریه و لبنان
(۳) تصرف لیبی توسط ایتالیا
(۴) احساسات ناسیونالیستی اعراب
۱۵. دو نظریه مشهور ژان گاتمن در جغرافیای سیاسی، کدام است؟
(۱) نظریه دولت و نظریه ملت
(۲) قوه جاذبه و نظریه نسبیت
(۳) آیکونوگرافی و سیرکولاسیون
(۴) قوه گریز از مرکز و نظریه مرکزگرا
۱۶. مجموعه‌ای از همه عوامل و پدیده‌هایی که در حفظ بقا و بهتر زیستن یک ملت موثر باشند، چه نام دارد؟
(۱) نظام سیاسی
(۲) منافع ملی
(۳) نظام اداری
(۴) استراتژی ملی
۱۷. مهم‌ترین عرصه تجلی رابطه جغرافیا و سیاست، کدام است؟
(۱) حاکمیت
(۲) ژئوپولیتیک
(۳) جغرافیای سیاسی
(۴) نظام سیاسی مستقل
۱۸. اصطلاح رایج در همه زبان‌ها به جای «دولت» چیست؟
(۱) state
(۲) government
(۳) system
(۴) regime
۱۹. عملیات سیاست خارجی یک کشور در ماورای مرزهای بین‌المللی، چه نام دارد؟
(۱) استراتژی نظامی
(۲) ژئواستراتژی
(۳) گد ژئوپولیتیکی
(۴) استراتژی ژئوپولیتیکی
۲۰. کدام مدل از الگوی ناحیه‌ای، خودمختاری می‌باشد؟
(۱) الگوی اختیاری
(۲) الگوی مشروط
(۳) الگوی مطالبه‌ای
(۴) الگوی ممزوج



۱. گزینه ۱)

• منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به طور مستقیم به قلب مفاهیم بنیادین دانش جغرافیای سیاسی ارجاع می‌دهد و در چارچوب سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، در فصل اول: مبانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و به طور مشخص در بخش اول: بنیادهای مفهومی و نظری و زیربخش ۱-۱: مفاهیم و تعاریف اولیه در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد. تسلط بر تمایز میان دو مفهوم کلیدی «ژئوپلیتیک» و «جغرافیای سیاسی» برای پاسخگویی به این پرسش ضروری است.

• پاسخ تشریحی: این پرسش بر یک رابطه علت و معلولی یک‌سویه تأکید دارد: مطالعه اثر عوامل جغرافیایی (علت) بر سیاست‌های جهانی قدرت‌ها (معلول). این تعریف، دقیقاً جوهر و ماهیت دانشی را توصیف می‌کند که ژئوپلیتیک نام دارد. ژئوپلیتیک دانشی است که به تحلیل تأثیر عوامل جغرافیایی بر روابط قدرت در مقیاس بین‌المللی می‌پردازد. این علم، فضا را نه یک کالبد بی‌جان، بلکه یک صفحه شطرنج استراتژیک می‌بیند که در آن، بازیگران (دولت‌ها، ائتلاف‌ها و...) برای کسب، حفظ و افزایش قدرت و نفوذ خود با یکدیگر رقابت می‌کنند. به بیان دیگر، ژئوپلیتیک به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، دسترسی به آب‌های آزاد، و ویژگی‌های توپوگرافیک، بر رفتار سیاسی خارجی دولت‌ها و الگوهای همکاری و منازعه در جهان تأثیر می‌گذارند. بنابراین، تمرکز سوال بر «سیاست‌های جهانی قدرت‌ها» و نقش «عوامل جغرافیایی» در شکل‌دهی به آن، آشکارا به حوزه تحلیل ژئوپلیتیک اشاره دارد. ماهیت این دانش عمدتاً پویا-استراتژیک (Dynamic-Strategic) است.

• بررسی سایر گزینه‌ها:

○ گزینه ۲ (جغرافیای سیاسی): این گزینه نزدیک‌ترین و رایج‌ترین انتخاب اشتباه است. تفاوت کلیدی در این است که

جغرافیای سیاسی به مطالعه

تأثیر متقابل و دوسویه جغرافیا بر سیاست و سیاست بر جغرافیا می‌پردازد. این رشته بیشتر بر مطالعه ساختار و سازمان فضایی دولت-ملت (سرزمین، مرز، جمعیت، پایتخت) متمرکز است و ماهیتی عمدتاً توصیفی-تحلیلی دارد. در حالی که سوال به وضوح بر تأثیر یک‌طرفه «جغرافیا بر سیاست» در مقیاس جهانی تأکید دارد که این، تعریف ژئوپلیتیک است.

○ گزینه ۳ (جغرافیای جهان): این یک عنوان بسیار کلی و توصیفی است. جغرافیای جهان به بررسی ویژگی‌های فیزیکی

و انسانی مناطق مختلف سیاره می‌پردازد و فاقد تمرکز تحلیلی و تخصصی بر روابط قدرت و سیاست است که در سوال مطرح شده است.

○ گزینه ۴ (جغرافیای قدرت‌ها): این عبارت یک اصطلاح استاندارد و شناخته‌شده در ادبیات علمی این رشته نیست.

هرچند ممکن است به صورت توصیفی به کار رود، اما واژه دقیق و جافتاده‌ای که مفهوم مورد نظر سوال را بیان می‌کند، «ژئوپلیتیک» است.

• نکته کلیدی: ژئوپلیتیک به مطالعه تأثیر یک‌سویه «جغرافیا بر سیاست» در مقیاس جهانی و استراتژیک می‌پردازد، در حالی که جغرافیای سیاسی به تحلیل تأثیر «دوسویه جغرافیا و سیاست» و سازمان‌یابی فضایی دولت‌ها می‌پردازد.

۲. گزینه ۱)

• منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال یک پرسش مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی (Factual Question) است که به طور مستقیم به یکی از مهم‌ترین مکان‌های استراتژیک جهان مربوط می‌شود. این بحث در چارچوب سرفصل‌های فصل هشتم: جغرافیای سیاسی خلیج فارس و زیربخش ۱-۱: مبانی جغرافیای سیاسی و تعریف منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و همچنین فصل دوم: جغرافیای سیاسی ایران و زیربخش ۱-۳: نقش تنگه هرمز و سواحل مکران در ژئوپلیتیک ایران قرار می‌گیرد.

• پاسخ تشریحی: تنگه هرمز به عنوان حیاتی‌ترین نقطه فشردگی استراتژیک (Strategic Chokepoint) انرژی در جهان شناخته می‌شود. درک مشخصات فیزیکی آن برای تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ضروری است. پاسخنامه کوتاه به درستی اشاره می‌کند که عرض این تنگه در باریک‌ترین قسمت آن ۲۱ مایل دریایی (حدود ۳۹ کیلومتر) است. این باریک‌ترین بخش، میان جزیره لارک ایران در شمال و جزیره قوئین کبیر (یا سلامه) عمان در جنوب (در شبه‌جزیره مسندم) قرار دارد.



- **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ همگی ارقام نادرستی را ارائه می‌دهند و فاقد اعتبار جغرافیایی هستند. اهمیت عدد ۲۱ مایل در این است که این عرض، برای ایجاد دو خط کشتیرانی تفکیک‌شده (یکی برای ورود و دیگری برای خروج) که هر یک چندین مایل عرض دارند، به همراه یک منطقه حائل، فضای کافی را فراهم می‌کند.
 - **نکته کلیدی:** عرض تنگه هرمز در باریک‌ترین نقطه آن ۲۱ مایل دریایی است؛ این پهنای کم، ضمن قرار دادن کامل تنگه در آب‌های سرزمینی ایران و عمان، اهمیت استراتژیک آن را به عنوان یک نقطه فشردگی حیاتی دوچندان می‌کند.
- گزینه ۴)
- **منبع اصلی:** درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به تاریخ جغرافیای سیاسی ایران و شکل‌گیری ساختارهای قدرت محلی با هویت مذهبی خاص می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل دوم: جغرافیای سیاسی ایران و به طور مشخص در بخش اول: شالوده‌های هویتی و تاریخی و بخش دوم: کالبدشناسی سیاسی و اجتماعی ایران (با تمرکز بر توزیع فضایی مذاهب) قرار می‌گیرد.
 - **پاسخ تشریحی:** دولت مشعشعیان یک حکومت محلی با گرایش‌های شیعی غالی بود که توسط محمد بن فلاح مشعشع در قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی) تأسیس شد. همانطور که در پاسخنامه کوتاه اشاره شده، این حکومت حدود ۲۹ سال پیش از تشکیل رسمی دولت صفویه به وجود آمد. کانون اصلی و پایتخت این حکومت در منطقه دشت آزادگان امروزی و شهر **هویزه** قرار داشت. این حکومت توانست برای مدتی بر بخش‌های وسیعی از خوزستان و حتی مناطقی از عراق امروزی مسلط شود. این جنبش، بازتابی از خواسته‌ها و هویت قبایل عرب شیعه‌مذهب منطقه بود که در یک دوره ضعف دولت مرکزی در ایران، توانستند ساختار سیاسی مستقل خود را ایجاد کنند.
 - **بررسی سایر گزینه‌ها:**
 - **گزینه ۱ (اهواز):** اهواز هرچند همواره شهر مرکزی و مهم خوزستان بوده و در دوره‌هایی تحت کنترل مشعشعیان قرار گرفت، اما پایتخت و خاستگاه اصلی این حکومت محسوب نمی‌شود.
 - **گزینه ۲ (سوسنگرد):** سوسنگرد (خفاجیه) نیز از شهرهای مهم این منطقه است، اما مرکزیت تاریخی و سیاسی هویزه را در آن دوران نداشت.
 - **گزینه ۳ (شوش):** شوش شهری با پیشینه تمدنی بسیار کهن و باستانی است، اما در دوره اسلامی مورد نظر، کانون اصلی قدرت سیاسی در منطقه نبود و مرکزیت جنبش مشعشعیان در آنجا قرار نداشت.
 - **نکته کلیدی:** حکومت شیعی مشعشعیان به عنوان یک قدرت محلی پیش از صفویه، با مرکزیت شهر هویزه، در منطقه خوزستان شکل گرفت.
- گزینه ۴)
- **منبع اصلی:** درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به یکی از بنیادین‌ترین نقاط عطف در تاریخ روابط بین‌الملل و شکل‌گیری نظام جهانی مدرن می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل نهم: جغرافیای سیاسی و نظام بین‌الملل و به طور مشخص در بخش اول: مبانی نظری و تاریخی نظام بین‌الملل و زیربخش ۱-۲: تاریخ ژئوپلیتیکی روابط بین‌الملل و ذیل عنوان «نظم وستفالیایی و تولد دولت-ملت سرزمینی» قرار می‌گیرد.
 - **پاسخ تشریحی:** معاهده وستفاليا در سال ۱۶۴۸، که به جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در اروپا پایان داد، به عنوان نقطه تولد نظام بین‌الملل مدرن شناخته می‌شود. این معاهده با معرفی دو اصل انقلابی، شالوده مفهوم «حکومت سرزمینی» را بنا نهاد:
۱. **اصل حاکمیت (Sovereignty):** بر اساس این اصل، هر دولت در قلمرو سرزمینی خود دارای اقتدار عالی و انحصاری است و هیچ قدرت خارجی، حتی پاپ، حق مداخله در امور داخلی آن را ندارد.
 ۲. **اصل تمامیت ارضی (Territorial Integrity):** این اصل، حاکمیت را به یک قلمرو جغرافیایی مشخص با مرزهای معین گره زد. همانطور که در پاسخنامه کوتاه نیز به درستی اشاره شده، پس از این معاهده، سرزمین به اساس نظام قدرت تبدیل شد و وفاداری مردم از شخص امپراتور به «حکومت سرزمینی» منتقل گردید. این گذار، به معنای تولد رسمی دولت-ملت سرزمینی (Territorial State) به عنوان بازیگر اصلی در صحنه جهانی بود.



• بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (کنگره وین): کنگره وین (۱۸۱۵) پس از جنگ‌های ناپلئونی برگزار شد و هدف آن بازگرداندن نظم و توازن قدرت در اروپای پس از ناپلئون بود. این کنگره هرچند نقشه اروپا را بازترسیم کرد، اما بنیان‌گذار مفهوم حکومت سرزمینی نبود، بلکه بر پایه همان اصول وستفالیایی عمل می‌کرد.
- گزینه ۳ (معاهده صلح ورسای): معاهده ورسای (۱۹۱۹) به جنگ جهانی اول پایان داد. این معاهده نیز با بازترسیم مرزهای اروپا و خاورمیانه و معرفی اصل «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها»، بر پایه نظام دولت-ملت سرزمینی استوار بود و آن را ایجاد نکرد.
- گزینه ۴ (منشور سازمان ملل متحد): منشور سازمان ملل (۱۹۴۵) پس از جنگ جهانی دوم، با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تدوین شد. این منشور، خود به صراحت بر اصول وستفالیایی «حاکمیت برابر دولت‌ها» و «عدم مداخله در امور داخلی» تأکید می‌کند و تأییدکننده این نظم است، نه خالق آن.
- نکته کلیدی: معاهده وستفاليا (۱۶۴۸) با معرفی اصول «حاکمیت» و «تمامیت ارضی»، سنگ‌بنای نظام بین‌الملل مدرن و مفهوم «حکومت سرزمینی» را گذاشت.

۵. گزینه ۴

منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به تقابل میان مکاتب فکری مختلف در دانش ژئوپلیتیک می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل اول: مبانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و ذیل بخش اول: بنیادهای مفهومی و نظری قرار می‌گیرد. به طور خاص، این سوال به تمایز میان رویکردهای پوزیتیویستی و رویکردهای تفسیری و معناگرا در تحلیل ژئوپلیتیک اشاره دارد.

پاسخ تشریحی: عبارت «جبر، حساب، هندسه و اقتصاد» به رویکردهایی اشاره دارد که تلاش می‌کنند پدیده‌های ژئوپلیتیکی را از طریق قوانین عینی، مدل‌های ریاضی، تحلیل‌های فضایی کمی و منطق اقتصادی توضیح دهند. این دیدگاه‌ها ماهیتی پوزیتیویستی دارند و به دنبال کشف قوانین جهان‌شمول برای رفتار دولت‌ها هستند. در مقابل این رویکرد، ژئوپلیتیک معناگرا (Interpretive Geopolitics) یا تفسیری قرار دارد. این دیدگاه معتقد است که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، پدیده‌هایی عینی و از پیش داده شده نیستند، بلکه «برساخته‌های اجتماعی» هستند که از طریق ایده‌ها، فرهنگ‌ها، هویت‌ها و به ویژه «معنایی» که بازیگران به مکان‌ها و روابط می‌بخشند، شکل می‌گیرند. بنابراین، دیدگاه‌های مبتنی بر جبر و حساب، در تقابل با رویکردی قرار می‌گیرند که بر «معنا» و تفسیر تأکید دارد.

• بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (انتقادی): ژئوپلیتیک انتقادی یک رویکرد گسترده‌تر است که ژئوپلیتیک معناگرا می‌تواند زیرمجموعه‌ای از آن باشد. ژئوپلیتیک انتقادی به واسازی و نقد گفتمان‌های قدرت که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی را می‌سازند، می‌پردازد. هرچند این گزینه نزدیک است، اما «معناگرا» به طور مستقیم‌تری به تقابل با رویکردهای کمی و جبری اشاره دارد.
- گزینه ۲ (انسان‌گرا): جغرافیای انسان‌گرا بر تجربیات زیسته، ادراکات و معانی فردی از مکان تمرکز دارد. در حالی که با دیدگاه معناگرا همپوشانی دارد، اما ژئوپلیتیک معناگرا بیشتر بر معانی جمعی و سیاسی در سطح دولت‌ها و روابط بین‌الملل تمرکز می‌کند.
- گزینه ۳ (پست‌مدرن): ژئوپلیتیک پست‌مدرن نیز مانند ژئوپلیتیک انتقادی، یک چارچوب گسترده است که به نقد «فراداستان‌ها» و روایت‌های کلان در ژئوپلیتیک می‌پردازد. این رویکرد نیز با دیدگاه معناگرا مرتبط است، اما «معناگرا» به شکل دقیق‌تری تقابل مورد نظر سوال را توصیف می‌کند.
- نکته کلیدی: رویکردهای کمی، جبری و اقتصادی در ژئوپلیتیک، در تقابل با ژئوپلیتیک معناگرا قرار دارند که بر نقش ایده‌ها، فرهنگ و معانی برساخته‌شده در شکل‌دهی به واقعیت‌های سیاسی تأکید می‌کند.

۶. گزینه ۳

منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به تحلیل دلایل تاریخی یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران از منظر مفاهیم ژئوپلیتیکی می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل دوم: جغرافیای سیاسی ایران و به طور مشخص در بخش سوم: ژئوپلیتیک و روابط خارجی ایران و زیربخش ۱-۳: موقعیت ژئوپلیتیکی ایران قرار می‌گیرد.



- **پاسخ تشریحی:** پاسخ این سوال نیازمند درک تمایز میان دو مفهوم «ژئوپلیتیک» و «ژئواستراتژی» است.
 - **ژئوپلیتیک:** به تحلیل تأثیر کلی و پایدار جغرافیا بر سیاست یک کشور می‌پردازد. موقعیت ایران به عنوان چهارراه تمدن‌ها، یک واقعیت ژئوپلیتیکی است.
 - **ژئواستراتژی:** به ارزش و اهمیت استراتژیک یک مکان یا منطقه در چارچوب یک برنامه یا منازعه نظامی مشخص اشاره دارد.
 - در هر دو جنگ جهانی، با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، علت اصلی اشغال آن توسط متفقین، نقش ژئواستراتژیک آن بود. ایران به عنوان یک پل زمینی، کوتاه‌ترین، امن‌ترین و کارآمدترین مسیر برای رساندن کمک‌های نظامی و تدارکاتی متفقین غربی (آمریکا و بریتانیا) به اتحاد جماهیر شوروی بود که در جبهه شرق به شدت با آلمان نازی درگیر بود. این مسیر که به «دالان پارس» (Persian Corridor) مشهور شد، نقشی حیاتی در تدارکات جبهه شرق و در نهایت، پیروزی متفقین ایفا کرد. بنابراین، اشغال ایران نه به دلیل ویژگی‌های کلی ژئوپلیتیکی آن، بلکه به دلیل اهمیت استراتژیک خاص آن در چارچوب عملیات نظامی جنگ جهانی بود.
 - **بررسی سایر گزینه‌ها:**
 - **گزینه ۱ (وجود نفت در ایران):** هرچند کنترل منابع نفت ایران برای متفقین، به ویژه بریتانیا، اهمیت داشت، اما این عامل ثانویه بود. علت اصلی و فوری اشغال، نیاز به ایجاد یک دالان تدارکاتی امن برای کمک به شوروی بود.
 - **گزینه ۲ (نقش ژئوپلیتیک ایران):** این گزینه بیش از حد کلی است. نقش ژئوپلیتیک یک مفهوم عام و پایدار است، در حالی که اشغال نظامی یک کنش مشخص در یک زمان خاص است که با اهداف استراتژیک و نظامی فوری توجیه می‌شود. «ژئواستراتژیک» واژه دقیق‌تری برای توصیف این وضعیت است.
 - **گزینه ۴ (خصومت اشغال‌کنندگان با دولت ایران):** هرچند متفقین به دلیل آنچه گرایش رضاشاه به آلمان نازی می‌پنداشتند، با دولت وقت ایران اختلاف داشتند، اما این خصومت علت اصلی اشغال نبود، بلکه بهانه‌ای برای آن بود. دلیل اصلی، یک ضرورت استراتژیک نظامی بود، نه یک دشمنی شخصی یا ایدئولوژیک.
۷. **گزینه ۲)**
- **منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش** - این سوال به ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و استراتژی‌های امنیتی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای در این حوزه می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های **فصل نهم: جغرافیای سیاسی و نظام بین‌الملل** و به طور خاص **فصل دوم: جغرافیای سیاسی ایران و زیربخش ۳-۳: ایران و همسایگان: حوزه قفقاز و آسیای مرکزی** جای می‌گیرد.
 - **پاسخ تشریحی:** پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه منطقه قفقاز را «خارج نزدیک» (Near Abroad) و حوزه نفوذ حیاتی خود تلقی کرده است. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های امنیتی مسکو در این منطقه، جلوگیری از گسترش نفوذ ناتو به مرزهای جنوبی خود بوده است. در این شطرنج ژئوپلیتیکی، **ارمنستان** به دلایل تاریخی، فرهنگی و سیاسی به نزدیک‌ترین متحد استراتژیک روسیه در قفقاز جنوبی تبدیل شده است.
 - **اتحاد نظامی:** ارمنستان تنها کشور قفقاز جنوبی است که عضو «سازمان پیمان امنیت جمعی» (CSTO)، ناتوی روسی، است و میزبان یک پایگاه نظامی بزرگ روسیه در خاک خود می‌باشد.
 - **تقابل با ترکیه و آذربایجان:** روابط خصمانه ارمنستان با ترکیه (عضو ناتو) و جمهوری آذربایجان (متحد نزدیک ترکیه)، این کشور را به طور طبیعی به سوی روسیه سوق داده است.
 - این اتحاد استراتژیک باعث شده تا ارمنستان به عنوان یک منطقه حائل و سپر دفاعی برای روسیه در برابر گسترش نفوذ ترکیه و ناتو از سمت جنوب عمل کند.
 - **بررسی سایر گزینه‌ها:**
 - **گزینه ۱ (آذربایجان):** جمهوری آذربایجان سیاستی مبتنی بر توازن و همکاری با غرب را دنبال کرده و روابط استراتژیکی با ترکیه (عضو ناتو) و اسرائیل دارد. بنابراین، نه تنها سپر دفاعی روسیه نیست، که در مواردی به عنوان یک چالش برای نفوذ روسیه تلقی می‌شود.
 - **گزینه ۳ (داغستان):** داغستان یک جمهوری خودمختار در داخل فدراسیون روسیه است و یک کشور مستقل محسوب نمی‌شود تا بتواند به عنوان سپر دفاعی عمل کند.



- گزینه ۴ (نخجوان): جمهوری خودمختار نخجوان بخشی از خاک جمهوری آذربایجان است که به صورت برون‌بوم (exclave) قرار گرفته و با ایران و ترکیه هم‌مرز است. این منطقه نیز بخشی از سیاست‌های کلی آذربایجان را دنبال می‌کند.

۸. گزینه ۱)

- منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به یکی از مفاهیم تخصصی در طبقه‌بندی شکل و موقعیت کشورها در جغرافیای سیاسی می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل اول: مبانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و به طور مشخص در بخش سوم: کالبدشناسی فضای سیاسی قرار می‌گیرد و به تحلیل رابطه فضایی میان دولت‌ها می‌پردازد.
- پاسخ تشریحی: در جغرافیای سیاسی، کشور «محیطی» (Perforated State) به کشوری اطلاق می‌شود که قلمرو آن، به طور کامل قلمرو یک کشور دیگر را در خود احاطه کرده است. در این رابطه فضایی، کشوری که احاطه شده است، کشور «محاط» (Enclaved State) نامیده می‌شود.
- در میان گزینه‌های ارائه‌شده، آفریقای جنوبی نمونه کلاسیک یک کشور محیطی است، زیرا این کشور به طور کامل، کشور مستقل «لسوتو» (Lesotho) را در درون خاک خود محصور کرده است. بنابراین، آفریقای جنوبی کشور محیطی و لسوتو کشور محاط است. ایتالیا نیز نمونه دیگری از کشور محیطی است که دو کشور محاط یعنی «واتیکان» و «سان مارینو» را در خود جای داده است.
- بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲ (ایران): ایران هیچ کشور مستقلی را به طور کامل در خاک خود احاطه نکرده است و بنابراین یک کشور محیطی نیست.
- گزینه ۳ (افغانستان): افغانستان یک کشور محصور در خشکی (Landlocked) است و نه محیطی.
- گزینه ۴ (شیلی): شیلی به دلیل شکل باریک و بلند خود، یک کشور «طویل» (Elongated) محسوب می‌شود، اما محیطی نیست.

- نکته کلیدی: کشور «محیطی» (Perforated) کشوری است که قلمرو یک کشور دیگر (محاط/Enclaved) را کاملاً در بر گرفته است؛ آفریقای جنوبی (با محاط کردن لسوتو) و ایتالیا (با محاط کردن واتیکان و سان مارینو) نمونه‌های اصلی این پدیده هستند.

۹. گزینه ۱)

- منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به یکی از رویدادهای کلیدی تاریخ روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی اول و تلاش‌ها برای ایجاد یک نظم نوین جهانی می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل نهم: جغرافیای سیاسی و نظام بین‌الملل و زیربخش ۲-۱: تاریخ ژئوپلیتیکی روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد.
- پاسخ تشریحی: وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، پس از جنگ جهانی اول، طرحی آرمان‌گرایانه معروف به «اصول چهارده‌گانه» را برای ایجاد یک صلح پایدار و عادلانه ارائه داد. یکی از اصول این طرح، دعوت به «خلع سلاح عمومی» و کاهش تسلیحات تمام کشورها به پایین‌ترین سطح ممکن بود. با این حال، در عمل و در جریان مذاکرات صلح ورسای (۱۹۱۹)، این اصل آرمان‌گرایانه تنها به صورت یک‌جانبه و تنبیهی علیه آلمان به عنوان مقصر اصلی جنگ، به اجرا درآمد. معاهده ورسای، محدودیت‌های بسیار شدیدی را بر ارتش آلمان تحمیل کرد؛ از جمله محدود کردن تعداد سربازان، ممنوعیت داشتن نیروی هوایی، زیردریایی و تانک‌های سنگین. بنابراین، هرچند نقشه ذهنی ویلسون شامل خلع سلاح جهانی بود، اما نقشه عملی و حقوقی که در معاهده ورسای ترسیم شد، تنها شامل خلع سلاح آلمان بود.
- بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ همگی از کشورهای «متفق» یا «متحد» در جنگ جهانی اول بودند که به عنوان پیروزمندان جنگ، نه تنها خلع سلاح نشدند، بلکه برخی از آنها (مانند لهستان و رومانی) با تجزیه امپراتوری‌های شکست‌خورده، به استقلال رسیده یا قلمرو خود را گسترش دادند.
- نکته کلیدی: طرح آرمان‌گرایانه ویلسون برای خلع سلاح جهانی، در عمل و در چارچوب معاهده ورسای، تنها به صورت تنبیهی و یک‌جانبه علیه آلمان، به عنوان کشور شکست‌خورده در جنگ جهانی اول، اجرا شد.



۱۰. گزینه ۱)

منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به مفاهیم بنیادین در سازماندهی سیاسی فضا و توزیع قدرت در درون یک دولت-ملت می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل اول: مبانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و به طور مشخص در بخش سوم: کالبدشناسی فضای سیاسی و زیربخش ۴-۳: سازماندهی سیاسی فضا در قلمروهای ملی، منطقه‌ای و جهانی قرار می‌گیرد.

پاسخ تشریحی: مفاهیم «تمرکز» (Centralization) و «عدم تمرکز» (Decentralization) به طور مستقیم به نحوه توزیع قدرت سیاسی و اختیارات تصمیم‌گیری در پهنه فضا مربوط می‌شوند.

○ تمرکز: وضعیتی است که در آن، قدرت و اقتدار در یک نقطه مرکزی (پایتخت) انباشته شده است.

○ عدم تمرکز: وضعیتی است که در آن، قدرت و اختیارات به واحدهای جغرافیایی پایین‌تر واگذار شده است.

این دو مفهوم، ذاتاً دارای دو ویژگی کلیدی هستند:

○ ویژگی ناحیه‌ای (Regional): زیرا قدرت میان «نواحی» یا مناطق مختلف کشور (پایتخت در برابر استان‌ها) توزیع می‌شود.

○ ویژگی مکانی (Locational/Spatial): زیرا به «مکان» یا محل استقرار قدرت و تصمیم‌گیری در فضا اشاره دارد. همانطور که در منبع ذکر شده در پاسخنامه کوتاه آمده، این مفاهیم در رابطه مستقیم با توزیع فضایی قدرت سیاسی و میزان برخورداری نواحی و مکان‌های جغرافیایی از اقتدار تصمیم‌گیری قرار دارند. بنابراین، ویژگی تقسیماتی آنها ناحیه‌ای - مکانی است.

• بررسی سایر گزینه‌ها:

○ گزینه‌های ۲ و ۳: واژه «ساختی» (Structural) به ساختار کلی نظام سیاسی (مثلاً تفکیک قوا) اشاره دارد، نه به توزیع جغرافیایی آن. در حالی که تمرکز و عدم تمرکز دقیقاً به بعد «فضایی» یا «مکانی» توزیع قدرت می‌پردازند.

○ گزینه ۴: «سرزمینی» یک مفهوم کلی است و «ناحیه‌ای» زیرمجموعه آن محسوب می‌شود. ترکیب «ناحیه‌ای - مکانی» دقیق‌ترین توصیف برای ماهیت جغرافیایی تمرکز و عدم تمرکز است.

• نکته کلیدی: تمرکز و عدم تمرکز قدرت، مفاهیمی ذاتاً جغرافیایی هستند که به توزیع اقتدار میان نواحی و مکان‌های مختلف در فضای یک کشور اشاره دارند، لذا دارای ویژگی تقسیماتی «ناحیه‌ای - مکانی» می‌باشند.

۱۱. گزینه ۳)

منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل شکندگی دولت‌ها و محدودیت‌های حاکمیت در عصر معاصر می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل اول: مبانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و به طور مشخص در بخش دوم: بازیگر اصلی؛ دولت-ملت و زیربخش ۳-۲: حفره‌های دولت و انواع آن (دولت‌های شکننده و فضاهای بدون حاکمیت) قرار می‌گیرد.

پاسخ تشریحی: نقشه سیاسی جهان این تصور را ایجاد می‌کند که تمام سطح خشکی‌ها تحت حاکمیت کامل و مؤثر دولت‌ها قرار دارد. اما در واقعیت، مناطق و فضاهایی وجود دارند که در آن‌ها اقتدار دولت مرکزی ضعیف، ناقص یا غایب است. در ادبیات جغرافیای سیاسی و امنیتی، به این مکان‌ها «حفره‌های دولت» یا «فضاهای بدون حاکمیت» (Ungoverned Spaces) گفته می‌شود. این فضاها مناطقی هستند که دولت مرکزی به دلیل عدم توانایی (مثلاً در مناطق صعب‌العبور مرزی) یا عدم تمایل، قادر به اعمال مؤثر اقتدار خود نیست. این عدم حضور دولت، به ایجاد یک خلاء قدرت منجر می‌شود که اغلب توسط بازیگران غیردولتی مانند سازمان‌های تروریستی، گروه‌های شورشی یا باندهای تبهکار پر می‌شود.

• بررسی سایر گزینه‌ها:

○ گزینه ۱ (مناطق ملال‌آور) و گزینه ۲ (مناطق ممنوعه): این‌ها اصطلاحات استاندارد و علمی برای توصیف مفهوم مورد نظر سوال نیستند. «مناطق ممنوعه» ممکن است به مناطق نظامی یا حفاظت‌شده اطلاق شود که ورود به آنها محدود است، اما این به معنای عدم تأثیر قدرت دولت نیست؛ بلکه برعکس، نشانه اعمال قدرت دولت است.

• نکته کلیدی: «حفره‌های دولت» یا «فضاهای بدون حاکمیت» به مکان‌های جغرافیایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها اقتدار و نظارت مؤثر دولت مرکزی وجود ندارد و این خلاء قدرت توسط بازیگران غیردولتی پر می‌شود.



۱۲. گزینه ۴)

• منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به دیدگاه یکی از نظریه‌پردازان برجسته جغرافیای سیاسی معاصر در مورد مفهوم چندوجهی ناسیونالیسم می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل اول: مبانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و به طور مشخص در بخش دوم: بازیگر اصلی؛ دولت-ملت قرار می‌گیرد، زیرا ناسیونالیسم نیروی محرکه اصلی در شکل‌گیری و پایداری دولت-ملت‌هاست.

• پاسخ تشریحی: پیتیر تیلور (Peter J. Taylor)، جغرافیدان سیاسی برجسته بریتانیایی، ناسیونالیسم را یک پدیده پیچیده و چندلایه می‌داند که می‌تواند کارکردهای متفاوتی ایفا کند. بر اساس طبقه‌بندی ارائه شده در منبع، او پنج گونه اصلی را برای ناسیونالیسم برمی‌شمارد:

۱. ناسیونالیسم پایه (Primal Nationalism): اشاره به حس تعلق بنیادین و اولیه به یک گروه هویتی.
۲. نیروی یکپارچه‌کننده (Unifying Force): کارکرد ناسیونالیسم در ایجاد وحدت و همبستگی میان مردمی که پیشتر پراکنده بودند (مانند وحدت آلمان یا ایتالیا در قرن ۱۹).
۳. نیروی جداکننده (Separating Force): کارکرد ناسیونالیسم در جنبش‌های جدایی‌طلبانه که یک گروه قومی به دنبال جدا شدن از یک دولت بزرگ‌تر و تشکیل کشور مستقل خود است (مانند فروپاشی یوگسلاوی).
۴. نیروی آزادی‌دهنده (Liberating Force): کارکرد ناسیونالیسم به عنوان ایدئولوژی محرک در مبارزات ضداستعماری برای رهایی از سلطه خارجی.

۵. نیروی حیات‌بخش (Vitalizing Force): اشاره به نقش ناسیونالیسم در بازسازی و نوسازی یک ملت پس از بحران یا جنگ.
- بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ با وارد کردن مفاهیمی مانند «نژادپرستی» به عنوان یکی از گونه‌ها، یا استفاده از عباراتی که در طبقه‌بندی تیلور وجود ندارد (مانند نیروی آزاددهنده یا آرامش‌دهنده)، از پاسخ صحیح منحرف شده‌اند. نژادپرستی می‌تواند یکی از پیامدهای افراطی ناسیونالیسم باشد، اما در این طبقه‌بندی خاص، به عنوان یک گونه مجزا در کنار موارد دیگر ذکر نشده است.
- نکته کلیدی: پیتیر تیلور ناسیونالیسم را پدیده‌ای چندوجهی می‌داند که می‌تواند به عنوان نیروی پایه، یکپارچه‌کننده، جداکننده، آزادی‌دهنده و حیات‌بخش عمل کند.

۱۳. گزینه ۱)

• منبع اصلی: درسنامه جامع جغرافیای سیاسی پردازش - این سوال به تمایز میان دو شکل از روابط استعماری و سلطه در تاریخ روابط بین‌الملل می‌پردازد. این مبحث در چارچوب سرفصل‌های فصل نهم: جغرافیای سیاسی و نظام بین‌الملل و زیربخش ۱-۲: تاریخ ژئوپلیتیکی روابط بین‌الملل ذیل عنوان «عصر امپریالیسم» قرار می‌گیرد.

• پاسخ تشریحی: هر دو مفهوم «تحت‌الحمايگی» (Protectorate) و «مستعمره» (Colony) از اشکال سلطه یک قدرت امپراتوری بر یک سرزمین دیگر هستند، اما تفاوت حقوقی و اجرایی مهمی میان آنها وجود دارد.

- مستعمره: در این حالت، سرزمین مورد نظر به طور کامل حاکمیت خود را از دست داده و به بخشی از قلمرو قدرت استعمارگر تبدیل می‌شود. قدرت استعمارگر هم امور داخلی و هم امور خارجی مستعمره را مستقیماً اداره می‌کند.
- تحت‌الحمايگی: در این مدل، که شکلی از حکومت غیرمستقیم است، حاکمان محلی در قدرت باقی می‌مانند و مسئولیت اداره امور داخلی به آنها واگذار می‌شود. در مقابل، قدرت استعمارگر (که «حامی» نامیده می‌شود) کنترل کامل امور خارجی و دفاعی آن سرزمین را بر عهده می‌گیرد.

بنابراین، تفاوت اصلی و تعیین‌کننده میان این دو، در نحوه اداره امور خارجی است. در تحت‌الحمايگی، حاکمیت داخلی به صورت اسمی حفظ می‌شود، اما حاکمیت خارجی به طور کامل سلب می‌گردد.

• بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲ (اداره امور داخلی): این گزینه دقیقاً برعکس پاسخ صحیح است. وجه تمایز اصلی در همین است که در تحت‌الحمايگی، اداره امور داخلی (دست‌کم به صورت ظاهری) در دست حاکمان محلی باقی می‌ماند.